

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: آلبرتو رابیلوتا-Alberto Rabilotta

برگردان از: حمید محوی

۰۸ مارچ ۲۰۱۳

## برای همیشه، فرمانده هوگو چاوز!



وقتی یک فرد انقلابی که جامعه تاریخ و آرمان کشورش و امریکای ما را بر تن پوشیده و زندگی اش را صرف متحقق ساختن آن در عالم واقع می سازد، مشکل بتوانیم در مرگ او اندوه عمیقمان را التیام دهیم. انقلابی بولیواری که علاوه بر نظریات و آرمان هایش، بهترین گرما و درک و صداقت و همبستگی انسانی حاصل ملت های «مستیزو» شده ما را با خود حمل می کرد، خصوصیتی که همبستگی فزاینده و عمیق او را با مردم ونزوئلا برای تحکیم عدالت و انقلاب اجتماعی روشن می سازد، که تمام ملت های دیگر را در امریکای لاتین ما متأثر ساخته بود و متأثر خواهد ساخت. در این صورت باید بدانیم که چاوز به عنوان الگو و آرمان هایش در ونزوئلا و در تمام امریکای لاتین ادامه خواهد داشت، سرزمینی که میراث گرانبهائی بر جا گذاشته زیرا قاطعانه وحدت و انسجام کشورهای ما را در راستای کاهش فقر و از میان بردن آن، و در راستای روزهای نوین گسترش اقتصادی و اجتماعی، به واقعیت تبدیل کرد. برای استقلال و حاکمیت هر یک از ملت های ما، به همین علت عشق و ایمانی که او بین ما تقسیم کرد، از این بابت چیزی از شادی ما نکاسته است.



ولی چنین مشاهداتی، در عین حال مخالفت‌های ناامید کننده‌ای نیز دارد و بر نمی‌تابد که نور عشق و گرمای انقلابی شخصیت و آرمان‌های چاوز در ونزوئلا و در امریکای لاتین بتابد - و برای امروز تا فرداهای دور بپاید. این مخالفت‌ها نفرتی است از سوی آنهایی که شکست خوردند، و به هر طریقی و تا آخرین لحظه سعی کردند او را حذف کنند، و برای باز پس گرفتن کنترل ونزوئلا و منطقه ضد انقلاب را راه اندازی کردند.

چند سال پیش از این از خودم می‌پرسیدم، و همکاران کانادایی نیز از من می‌پرسیدند که منشأ این تنفر به این آشکاری در رسانه‌ها و دوایر سیاسی کانادا و ایالات متحده، و به همین گونه در محافل نخبگان برخی کشورهای امریکای لاتین، و بسیاری از کشورهای اروپایی در کجاست. آیا تنها به دلیل نظریات انقلابی او بوده، که در انتخابات پیروز می‌شده و پس از برچیدن فقر و بی‌سوادی، و فراهم ساختن سقف خانه برای همگان «الگوی بدی» به امریکای لاتین نشان می‌داده، و منافع خصوصی را در سطح ملی و خارجی به مخاطره می‌انداخته است؟



بی‌گمان، همین‌ها دلایل اصلی را تشکیل می‌دادند، ولی پشت تمام این دلایل، دلیل نابخشودنی دیگری وجود داشت، که من وقتی در کانادا برای آژانس خبری مکزیکی «نونیمکس» کار می‌کردم، در مصاحبات متعدد پیرامون موضوع چاوز با سیاستمداران، کارفرمایان، روزنامه‌نگاران و کارشناسان کانادایی، امریکایی و اروپایی، بارها احساس کرده بودم. نرفت طبقاتی، از برج دیدبانی «فرهنگ متمدنانه» خودشان نسبت به امریکای لاتینی‌ها، و باز هم بیشتر نسبت به

رهبران آنها، و چونکه ما اوو مارالس خودمان را در بولیوی داریم – که با شخصیت خاص خودش کاملاً اختلاط نژادی با سرخپوستان بومی، تولد فرهنگ ها و ملت های بومی، وسعت فرهنگی، سادگی، صراحت و قاطع بودن ملت های ما را بازنمائی می کند، تمام این موارد کاملاً قابل درک بود و در نتیجه نفرت طبقاتی غالباً با تحقیر همراه می شد. بیش از دو دهه برای الیگارشسی و امپریالیسم به هیچ عنوان قابل قبول نیست که ونزوئلا، کشوری با بزرگترین ذخیره نفتی جهان، رئیس جمهوری داشته باشد که علاوه بر انقلابی بودنش، یک «متیس» (دو رگه و مخلوط شده با نژاد سرخپوست) باشد و عادات بدی مانند اتحاد با مردم و گوش کردن به آنها را داشته باشد، که با یکدیگر در شادی جشن بگیرند و برای دفاع از منافع ملی سازماندهی کند. او را به خاطر صراحتش وقتی که می بایستی از منافع ونزوئلا و امریکای لاتین دفاع کند و به خاطر بی احترامی به «نشان و تشریفات» دیپلماتیک نمی بخشیدند. و باز هم او را به خاطر اقدامات قاطعانه برای جلوگیری از تبعیت مردم منطقه از پیمان نامه های میان قاره ای امریکا (جنوبی، مرکزی، شمالی) برای مرادوات آزاد، بیش از تمام موارد دیگر نبخشیدند، همان گونه که در اجلاس قاره های امریکائی در شهر کبک به سال ۲۰۰۱ به روشنی آشکار شد.



آنچه را که در اینجا نوشتیم، از زبان وزیر کانادائی، در خروج از یک گردهمایی شنیدیم که نخست وزیر کانادائی استن فان هارپر به رئیس جمهور مکزیکی در آن دوران، ویچنت فوکس در اوتواوا گفته بوده است. الیگارشسی امپراتوری، همان گونه که واکنش رئیس جمهور بارک اوباما و نخست وزیر کانادا استن فان هارپر نشان می دهد، نه چاوز را می بخشد و نه اکثریت دولت مداران منطقه را که اتحادیه کشورهای امریکای لاتین و کارائیب را ایجاد کردند، یعنی اتحادیه ای که ایالات متحده و کانادا در آن غایب هستند، یعنی دو کشوری که در کودتا علیه رئیس جمهور قانونی هندوراس، مانوئل زلایا، دست داشتند. دو کشوری که فوراً کودتا علیه رئیس جمهور لوگو در پاراگوئه را به رسمیت شناختند و چندین سال است که در ایجاد نا آرامی و شورش در ونزوئلا شرکت دارند.

به همین علت آنچه که در مورد مرگ رهبر بزرگ بولیواری گفتند، جای شگفتی باقی نمی گذارد: بارک اوباما گفت که: «در این دوران بحرانی به دلیل مرگ رئیس جمهور هوگو چاوز، ایالات متحده پشتیبانی خود را از مردم ونزوئلا اعلام کرده و روی منافع خود برای گسترش مناسبات سازنده با دولت ونزوئلا تأکید دارد. با ونزوئلایی که برگ تازه ای را در تاریخ خود آغاز می کند، ایالات متحده برای ارتقاء اصول دموکراتیک، قانونیت و احترام به حقوق بشر به تداوم تعهداتش پایبند است.»

بی هیچ شرمی، نخست وزیر کانادا استفان هارپر عملاً «شاد باش مرگ» هوگو چاوز را اعلام کرد، به همان شکلی که مجله «کانادین پروگروسیو» (۱) بر اساس توضیحات ژانسن «کانادین پرس» از واکنش رئیس دولت کانادا نوشته است: هارپر تنها کلمات دلپذیری برای مردم ونزوئلا به زبان آورد که رهبر کاریسماستیک چپ آنها را پشت سرش بر جا گذاشته است. نخست وزیر اظهار داشت که به مردم ونزوئلا تسلیم می گوید و برای همکاری با جانشین او و رهبران دیگر در منطقه، برای ساختن نیم کره ای موفق تر، مطمئن تر و دموکراتیک تر، به آینده می نگرد. هارپر اضافه کرد که او چشم انتظار است که مرگ چاوز آینده امیدوار کننده تری برای مردم ونزوئلا داشته باشد: «در این فرصت کلیدی، امیدوارم که مردم ونزوئلا از این پس بتواند آینده ای روشنتر را برای خودشان فراهم سازند که بر اساس اصول آزادی، دموکراسی، قانونیت و احترام به حقوق بشر تکیه داشته باشد.»

یعنی مواردی که این دو (هارپر و اوباما) در کشور خودشان رعایت نمی کنند. برای حفظ خود در دولت، نخست وزیر کانادا آقای هارپر هر وقت ضروری دانسته پارلمان را تعطیل کرده و دموکراسی پارلمانی ساهاست که در اوتوا ورشکسته شده. در مورد انتخابات، حزب محافظه کار هارپر طی انتخابات ۲۰۱۱ برای پیروزی اش متهم به اعمال غیر قانونی در برخی مناطق است - با مدرک - . روی مسأله قانونیت و مسؤولیت، و احترام به حقوق بشر، دولت های هارپر بدترین الگوهای تاریخ معاصر کانادا را تشکیل می دهند. به همین علت می توانیم بگوئیم که هارپر نماینده کانادا و مردم کانادا نیست.

در مورد «اصول دموکراتیک، قانونیت و احترام به حقوق بشر» که رئیس جمهور، اوباما به آن اشاره می کند، چه می توانیم بگوئیم؟ حرف چندانی نداریم، به جز این که بگوئیم اصول دموکراتیک تنها برای قدرتمندان و ثروتمندان وجود دارد. قانون نیز تنها برای حفاظت از ثروتمندان وجود دارد، ولی به ندرت برای بی نوایان کار کرده و هرگز در مورد کلاهبرداری های بانکی تحقیقی انجام نداده در حالی که سنگینی تمام این بز هکاریها روی دوش آنهاست که مالیات می پردازند. در زمینه مسائل مرتبط به حقوق بشر، در مورد رئیس جمهور امریکا چه می توانیم بگوئیم که برای به قتل رساندن شهروندان امریکائی و خارجی در هر نقطه از جهان از قدرتش استفاده می کند، و تظاهرات صلح جویانه را در کشور خودش سرکوب می کند و در کارنامه تمام حملات و جنگهایی که برای دستیابی به منابع طبیعی خاورمیانه، آسیا، و آفریقا صورت داده، مرگ تعداد بی شماری از شهروندان را نشان می دهد.

تقریباً تمام دولت های جهان، تمام احزاب پیشرو و چپ در مرگ هوگو چاوز ادای احترام کرده اند و به مردم ونزوئلا تسلیم گفته اند. کانادا و ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری منزوی شده اند، و تمام این موارد حاکی از یادمان اثر فرمانده هوگو چاوز است.

تمام این درد و رنجها و اتحاد باید به نیروئی برای تداوم مبارزه تبدیل شود. ونزوئلا، مردم ونزوئلا و انقلابشان تنها نیست.



مرکز مطالعات جهانی سازی، ۶ مارس ۲۰۱۳

<http://www.mondialisation.ca/pour-toujours-commandant-hugo-chavez/5325545>

*Notes*

<http://www.canadianprogressiveworld...> ] 1[

گانهنامه هنر و مبارزه

۷ مارچ ۲۰۱۳